

ایران



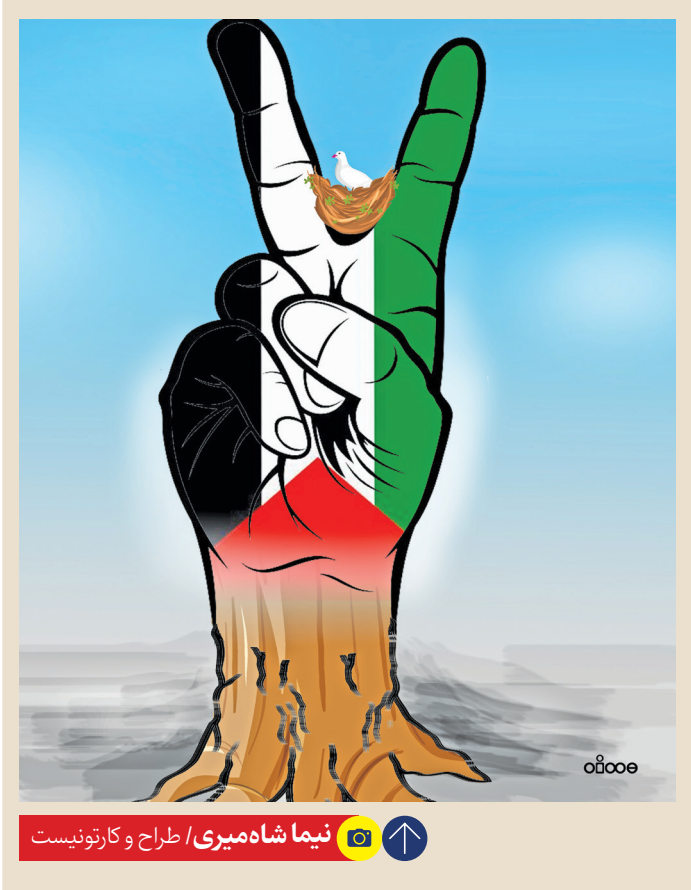
سخن‌روز

امام رضا(ع):

هر که در مجلسی بنشیند که در آن یاد ما (اهل بیت) زنده می‌شود، قلبش، در روزی که قلب‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

وسائل الشیعه، ج ۴۴، ص ۲۷۸

نگاره



فضای مجازی



اسرائیل بدهند.
تضمین هم داده که علاوه بر پاداش مالی تلاش کامل خواهد کرد تا امنیت خود این افراد و منازلشان تضمین شود.
این برکه چشم در چشم شدن با اسرائیل واقعی است.

برگه را کجا فروبرخته‌اند؟
در شمال النصیرات و بخش‌هایی از اردوگاه البریج.
همین شب‌ها و روز‌ها النصیرات هدف بعضی از وحشیانه‌ترین حملات هوایی بود.
بازار النصیرات چنان در آتش و خوس و خاک و خاکستر و تکه پاره‌های بدن افراد فروفته بود که گمان می‌بردی صحنه‌ای آخرالزمانی را به نظاره نشست‌های.»



حضرت دارند، اما تصور نمی‌کردم که این چنین باور مهدویت از کتاب‌ها و علما به سطح عامه مردم رسیده باشد و در تحلیل‌های روزمره آنان نیز نقش داشته باشد.

با تعجب از حسین پرسیدم: «شما فلسطینی‌ها هم به ظهور امام مهدی(عج) معتقدید؟»
انگار که به او برخورده باشد، گفت: «والله ما مردم فلسطین از شما بیشتر منتظر ظهور هستیم. ما مضطر هستیم. ما تحت ظلم و فشاریم، چگونه منتظر ظهور حضرت مهدی(عج) نباشیم؟!»
برشی از گزارش «دیداری با آوارگان فلسطینی در اردوگاه‌های یرموک و برج البراجنه». ماهنامه سوره، شماره ۲۷. شهریور.



کارگاهی آموزشی برای علاقه‌مندان ادبیات

اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه، علاقه‌مندان را به حضور در یک کارگاه آموزشی دعوت کرده. آن طور که در تازه‌ترین پست این پژوهشگر آمده است، کارگاه مذکور، کارگاه آموزشی آشنایی با زبان شعر نام دارد که امینی خود به عنوان مدرس در آن حضور دارد.
زمان برپایی این کارگاه نیز سه‌شنبه هر هفته به مدت هفت جلسه ذکر شده که جلسه نخست آن، نیم همین ماه آغاز می‌شود. محل برگزاری این کارگاه آموزشی خانه اندیشمندان علوم انسانی است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتری می‌توانند سری به صفحه این استاد ادبیات بزنند.

دعوت محمد بحرانی به حضور در کنسرت لیان

محمد بحرانی، کارگردان و صدایبیشه، فیلم کوتاهی از صحبت‌های خود را زمانی که در تور استرالیا میهمان گروه لیان بوده منتشر کرده، او در توضیحات این فیلم نوشته: «در شهرهای ملیورن، بریزبن و سیدنی، میزبان محسن شریفیان، گروه دوست‌داشتنی لیان گواهییم بود.»
در نهایت هم از علاقه‌مندان ساکن این شهرها دعوت شده در صورت علاقه‌مندی به حضوردر این اجراها، بلیت آنها را تهیه کنند.



تبادل فرهنگ و دانش میان هندیان و ایرانیان نوشته شده‌اند. آن‌طور که ایرانی خیر داده، میراث مکتوب هم در این زمینه کتابی به اسم«تذکره عرفات العاشقین» را در هشت جلد منتشر کرده است.
در بخشی از نوشته این نویسنده آمده: «هدف میراث مکتوب، شناسایی آثار تمدنی است و این آثار تمدنی بیشترش در هند و بعد در مواراءالنهر و مربوط به دوره عثمانی است.
دیجیتالی کردن نسخ خطی مخصوصاً در این بیست سی ساله اخیر به انتشار این آثار بسیار کمک کرده است، اما همچنان بسیاری از نسخه‌ها در شبه‌قاره هند موجود است که فهرست نشده و کار بیشتری را می‌طلبد.
جاپ این آثار شناخت متقابل از تاریخ و فرهنگ هر دو کشور است.»

- صاحب امتیاز:** خیرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

- زرین رستمی وند(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی(عکس)

نقل قول



محمد نادری

بازیگر

گریز تعمدی از فضای کاملاً رئالیستی را دوست دارم

من فضای فانتزی و گریز تعمدی از فضای کاملاً رئالیستی را به‌شدت دوست دارم. همچنین شوخی‌هایی که در این فضا رخ می‌دهد، جزو سلیقهٔ من است. در فضای سازی‌کمترکارگردانی وارد این حوزه شده‌است و این شاید برای مخاطب عام و در حقیقت عموم مردم شناخته شده نباشد. چراکه در سبب فرهنگی آنها نبوده‌است. ما بیشتر درام، ملودرام و گمدی‌هایی با بستررئالیستی تولید کرده‌ایم و اگر اثری فانتزی ساخته‌ایم، از جنس دیگری بوده‌است که در آثار مهران مدیری و پیمان قاسمخانی سراغ داشتیم. این جنس مختص خود سرورش صحت است و امضای او را دارد. در حقیقت سرورش صحت یک قراری با تماشاگر خود می‌گذارد که اگر مخاطب آن را بپذیرد و وارد این جهان شود، با اثر ارتباط برقرار می‌کند. البته در جاهایی ارجاعاتی به سینما و مقولات اجتماعی و فرهنگی دارد و لازم‌است اطلاعات گسترده‌تری داشته باشد و زمانی که متوجه ارجاعات می‌شویم، لذت مضاعفی از فضای ساخته شده و شوخی رخ داده می‌بریم. شاید در ابتدا برای تماشاگر غریب باشد اما وقتی وارد این فضا و جهان شود و آن را بپذیرد، لذت می‌برد.

بخشی از گفته‌های بازیگر سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» با **ایرنا**

کلمه

چرا باید کتاب «عملیات احیا» را خواند



امیرعباس

شاهسواری

نویسنده

کتاب «عملیات احیا» قصه کارخانه‌ای است در یکی از شهرهای استان خراسان رضوی که شاید خیلی از شما اسم آن را نشنیده باشید. قصه کارخانه تولید الکتروموتورجمکو در شهرچوبن که ۲۰سال‌ریزان ده بوده‌است. این کارخانه با تراز مالی منفی ۶۰میلیارد، سال‌های سال ضررده بوده و هر چند وقت یک‌بار مدیرعامل عوض کرده بود تا اینکه قرعه کار به نام مهندس‌ی جوان می‌خورد. یک مدیر کارآمد که به همراه تیم کاربلدش، درایت و توانایی مدیریتی اش، این شرکت را نه‌تنها از زیان خارج می‌کند، بلکه شروع به تولید الکتروموتورهایی می‌کند که تا به حال تنها ایرانی‌گی‌های می‌ساختند و دست فولاد خوزستان، نیروگاه اتمی بوشهر و بسیاری از شرکت‌های قدر ایرانی را از خارجی‌ها بی‌نیاز می‌کنند و کارگرانی که همیشه حقوقشان ماه‌ها به تأخیر می‌افتاد، الآن نه‌تنها حقوق‌شان سرموقع می‌رسد، بلکه همیشه تشویقی دریافت می‌کنند.

نویسنده توانسته است درام خوبی از ماجرا بیرون بیاورد. کتاب تعلق خوبی دارد به نحوی که شما در انتهای هر فصل می‌خواهید بدانید فصل بعد این مجموعه، چه چالشی را پشت سرخواهند گذاشت. این کتاب را محمد حکمایادی نوشته‌است و انتشارات «راه‌یار» آن را با یک طراحی جلد عالی، خلاقانه و قطع رقعی مناسب روانه بازار کرده است.

کتاب «عملیات احیا» گمشده امروز ماست، گمشده امروز ما، امید است، باور به خود است و توکل به خدا و این کتاب همه این شاخصه‌ها را دارد. هر لحظه با خواندن این کتاب به ایرانی بودن خود افتخار می‌کردم. ای کاش مرحوم ترکان، مشاور دولت قبل زنده بود تا این کتاب را به ایشان هدیه می‌دادم تا بخواند و دیگر نگوید: «ایرانی‌ها فقط بلدند آب‌گوشت بزپاش بپزند»، یا برای آن مسئولی می‌فرستادم که می‌گفت: «باید مدیر خارجی وارد کنیم». این کتاب، بسیار در جهت افزایش امید و اعتماد به نفس جامعه مفید است و ای کاش به جای بعضی از واحدهای درسی، این کتاب را در دانشگاه و دانشکده‌های فنی اجباری کنند تا هم دانشجویان بخوانند که به خودشان باور پیدا کنند و هم اساتید بخوانند که بدانند «می‌شود» و به جای پمپاز یأس و ناامیدی می‌توان چراغ امید دانشجویان را روشن کرد و برای رفتن به سوی قله برای آنها الگو و اسوه‌هایی امروزی را معرفی کرد که «خواستن، توانستن است»، را مشق هر روز خود کرده‌اند و به آن تحقق بخشیده‌اند.

لازم به ذکر است که کار تحقیق و تدوین کتاب «عملیات احیا» را محمد حکم آبادی برعهده داشته و این نوشته به همت انتشارات راه‌یار در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



هرگز نه از دزدان بترسیم، نه از آدمکشان. اینها خطرات بیرونی‌اند، خطرات کوچکند.

از خودمان بترسیم. دزدان واقعی، پیش‌دآوری‌های ما هستند.

بی‌نویان، ویکتور هوگو

نکته

فلسطین در ادبیات تنهاست

داشتم داستانی درباره فلسطین و اتفاقاتی که بعد از ورود یهودی‌ها و تشکیل رژیم صهیونیستی افتاده می‌خواندم. در لابه‌لای داستان ذهنم به این سمت پرواز کرد که ببینم چند کتاب قصه و رمان درباره سرزمین‌های اشغالی خوانده‌ام و اینکه مشغول خواندنش هستم، چندمی‌است. مرور که کردم دیدم این کتاب سومین اثری است که درباره این سرزمین خوانده‌ام. شاید یکی با خودش بگوید سه کتاب در قالب داستان و رمان تعداد کمی نیست ولی کافی است همین عدد را مقایسه کنیم با کتاب‌هایی که در همین قالب درباره جنگ جهانی دوم یا اتاق‌های گاز و آشوبتیس خوانده‌ایم. بعد از اینکه به سه کتاب رسیدم باز هم کنج‌کاوی‌ام آرام نگرفت و با خودم گفتم ببینم غیر از محمود درویش و غسان کفانی و اوداد سعید چند نویسنده و اهل قلم فلسطینی می‌شناسم. که غیر از یکی دو اسم دیگر، کسی به یادم نیامد. شاید این تعداد برای خیلی‌ها عدد بزرگی باشد ولی برای من که مثلاً می‌توانم از کشوری در کیلومترها دورتر، حداقل یک نویسنده اسم ببرم که حداقل یک کار از او خوانده‌ام این تعداد عدد بزرگی نیست.

بعد با خود گفتم شاید واقعاً شرایط سیاسی و اجتماعی ناشی از جنگ و تحریم و محدودیت اجازه نداده نویسنده‌هایی در این کشور یا در شرایط مهاجرت رشد کنند ولی با یک جست‌وجو در اینترنت دیدم اتفاقاً نسل جدید نویسندگان فلسطینی نه‌تنها کم تعداد نیستند بلکه عدد قابل توجهی هم دارند. ولی اینکه چرا اثری از آنها یا ترجمه نشده یا اگر ترجمه شده پیدا کردنش کار راحتی نیست و در مواردی هم دیگر چاپ و منتشر نمی‌شود، تبدیل به سؤال بزرگی در ذهنم شد. تبدیل به پرسشی که اگر برایش جست‌وجو نکرده بودم یا سراغ کتاب‌ها نرفته بودم، احتمالاً جوابی که به ذهنم رسید در دسته جواب‌های توهمنه توطنه قرار می‌گرفت ولی وقتی می‌بینم در کشور ما سالانه درباره رویدادی تاریخی به اسم هولوکاست آثار مختلفی منتشر می‌شود ولی درباره نسل‌کشی صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی

و شرایط زندگی در سرزمین‌های اشغالی از زبان فلسطینی‌ها اثری ترجمه و منتشر نمی‌شود، در جواب را به ذهن می‌آورد که انسانیت مهم نیست، بلکه آنچه مهم است پروپاگاندا رسانه‌ای و ذهن‌های رسانه‌زده است که در آن انسان‌ها هم دسته‌بندی می‌شوند و نسل‌کشی یهودیان ارزش خیری محسوب می‌شود ولی نسل‌کشی فلسطینی‌ها فاقد ارزش خیری به شمار می‌رود. در واقع غرب با رسانه‌هایش توانسته کاری کند که ناشر و مترجم و کنتشگر حوزه ادبیات به مسأله انسان‌ها نیز از چشم رسانه و منافع جریان‌های حامی رسانه نگاه کند.

تمام آنچه در این اتفاق برایم روشن شد، یک پیام بزرگ بود آن هم اینکه جریان‌های حامی صهیونیسم توانسته در نبرد روایت‌ها دست‌پیش را بگیرد و ذهن حتی انسان‌های ظاهراً فرهیخته را نیز از جنایت‌های صهیونیست‌ها منحرف کند و آنها را سال‌ها از اصل ماجرا دور نگه دارد.

با مروری که انجام دادم به این نتیجه رسیدم فلسطین در ادبیات هم تنهاست و صدای نویسنده‌های آن هم در رسانه‌های جریان اصلی حامی صهیونیست‌ها به گوش کسی نمی‌رسد. نویسنده‌هایی که شاید با دیدگاه‌های مختلف درباره سرزمین‌شان حرف زده باشند ولی هر چه هست صدای فلسطین است.



فلسطین

در ادبیات

هم تنهاست

و صدای

نویسنده‌های

آن هم در

رسانه‌های

جریان

اصلی حامی

صهیونیست‌ها

به گوش کسی

نمی‌رسد؛

نویسنده‌هایی

که شاید با

دیدگاه‌های

مختلف درباره

سرزمین‌شان

حرف زده

باشند ولی

هر چه هست

صدای

فلسطین و

سرزمین‌های

اشغالی‌اند



عکس: ایرنا